

گاز بیشتر، رفاه بیشتر؟

کشف یک میدان جدید در جنوب فارس؛ آیا ایران از تجربه عسلویه درس گرفته است؟

محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، اعلام کرده است که بیش از ۷۵۰۰ میلیارد فوت‌مکعب گاز در این میدان کشف شده و با در نظر گرفتن ضریب بازیافت حدود ۷۲ درصد، امکان استحصال حدود ۵۷۰۰ میلیارد فوت‌مکعب گاز از آن وجود دارد.

به گزارش گروه اقتصاد-پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: کشف بیش از ۷۵۰۰ میلیارد فوت‌مکعب گاز در یک میدان جدید در جنوب استان فارس، در نگاه نخست خبر بسیار بزرگی برای صنعت نفت و گاز است.

این یعنی یک ذخیره قابل توجه دیگر به منابع هیدروکربوری ایران اضافه شده است.

اما شاید مهم‌ترین سؤال، نه حجم گاز کشف‌شده، بلکه نحوه تبدیل این ثروت زیرزمینی به ثروت روی زمین باشد.

زیرا ایران در منابع نفت و گاز فقیر نیست؛ مسئله تاریخی ما، چگونگی تبدیل این منابع به توسعه پایدار و رفاه عمومی است.

کشف ذخیره، پایان راه نیست

در ادبیات صنعت نفت، کشف یک میدان پایان یک پروژه نیست؛ آغاز یک زنجیره طولانی از سرمایه‌گذاری، توسعه، حفاری، احداث تأسیسات، انتقال، فرآوری و در نهایت تولید است.

بنابراین نباید میان «کشف گاز» و «درآمدزایی برای کشور و مردم» علامت مساوی گذاشت.

حتی اگر تمام ۵۷۰۰ میلیارد فوت‌مکعب گاز قابل استحصال در آینده تولید شود، پرسش اصلی همچنان باقی خواهد ماند:

این ثروت چگونه توزیع می‌شود و چه اثری بر زندگی مردم خواهد گذاشت؟

این پرسش زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به تجربه مناطق نفت و گازخیز ایران نگاه کنیم.

عسلویه؛ بزرگ‌ترین هشدار برای آینده

عسلویه را نمی‌توان نادیده گرفت.

این منطقه یکی از مهم‌ترین قطب‌های گاز و پتروشیمی ایران است و بدون تردید نقشی بزرگ در اقتصاد و صنعت انرژی کشور دارد.

اما توسعه صنعتی عسلویه همزمان با چالش‌های جدی زیست‌محیطی همراه بوده است.

مشعل‌سوزی، انتشار آلاینده‌ها و گزارش‌های متعدد درباره آلودگی هوا و بوی نامطبوع، سال‌هاست بخشی از بحث عمومی درباره این منطقه است.

حتی در مرداد ۱۴۰۵، گزارش‌هایی درباره استشمام بوی نامطبوع گاز در شهر عسلویه منتشر شد و دستگاه‌های مسئول برای شناسایی منشأ آن وارد بررسی شدند.

پیش از آن نیز در گزارش‌های کارشناسی درباره عسلویه، بدسوزی فلرها و نشت گاز از تأسیسات به‌عنوان برخی از عوامل احتمالی بوی نامطبوع مطرح شده بود.

بنابراین وقتی امروز از کشف یک میدان گازی جدید صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم تنها به حجم ذخیره نگاه کنیم.

باید بپرسیم:

آیا قرار است الگوی توسعه عسلویه دوباره تکرار شود؟

وقتی مشعل، ثروت را می‌سوزاند

فلر فقط یک شعله در افق نیست.

گازی که در مشعل سوزانده می‌شود، در اصل یک منبع اقتصادی است که به جای تبدیل شدن به محصول، خوراک صنعت یا درآمد، سوزانده می‌شود و همزمان می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی داشته باشد.

این مسئله آن‌قدر جدی است که وزارت نفت و شرکت‌های تابعه طی سال‌های گذشته برنامه‌هایی برای کاهش فلرینگ و جمع‌آوری گازهای مشعل دنبال کرده‌اند.

برای نمونه، شرکت ملی صنایع پتروشیمی جمع‌آوری گازهای مشعل را یکی از اولویت‌های زیست‌محیطی صنعت اعلام کرده و در سال‌های گذشته پروژه‌هایی برای کاهش مشعل‌سوزی دنبال شده است.

همچنین در مجتمع گاز پارس جنوبی برنامه‌هایی برای کاهش و جمع‌آوری گازهای مشعل مطرح شده است.

این یعنی مسئله فلرینگ، یک انتقاد رسانه‌ای صرف نیست؛ خود صنعت نیز ضرورت کاهش آن را پذیرفته است.

مسئله فقط درآمد کشور نیست؛ سهم منطقه هم مهم است

اینجاست که باید میان درآمد ملی و توسعه منطقه‌ای تفاوت قائل شویم.

ممکن است یک پروژه نفت و گاز برای کشور میلیاردها دلار ارزش اقتصادی ایجاد کند، اما منطقه میزبان آن همچنان با مشکلاتی مانند کمبود زیرساخت، فشار بر محیط‌زیست، مشکلات حمل‌ونقل، مسکن، آب یا خدمات عمومی مواجه باشد.

این به معنای آن نیست که صنعت نفت و گاز برای کشور سودی نداشته است.

اتفاقاً مسئله دقیقاً برعکس است:

اگر صنعت این‌قدر ارزش اقتصادی ایجاد می‌کند، چرا سهم منطقه میزبان از این ارزش نباید به‌مراتب بیشتر و ملموس‌تر باشد؟

این پرسشی است که باید در سیاست‌گذاری انرژی ایران جدی گرفته شود.

پارسیان؛ فرصت یا تکرار تجربه عسلویه؟

این بحث برای منطقه پارسیان اهمیت ویژه‌ای دارد.

منطقه ویژه اقتصادی صنایع انرژی‌بر پارسیان با هدف توسعه صنایعی مانند پتروشیمی، فولاد، آلومینیوم، نیروگاه و صنایع پایین‌دستی در حال توسعه است و پروژه‌های زیرساختی مانند بندر، آب‌شیرین‌کن، برق و جاده نیز برای آن تعریف شده است.

پارسیان می‌تواند یکی از مهم‌ترین نقاط توسعه صنعتی جنوب ایران باشد.

اما اگر قرار است این منطقه به قطب انرژی و صنایع انرژی‌بر تبدیل شود، باید از همان ابتدا یک تفاوت اساسی با تجربه‌های گذشته داشته باشد:

مردم منطقه نباید فقط میزبان صنعت باشند؛ باید شریک توسعه باشند.

یعنی سهم مشخصی از اشتغال، آموزش، پیمانکاری، زنجیره تأمین، خدمات تخصصی و ارزش افزوده باید در منطقه ایجاد شود.

ثروت زیر زمین، بدون توسعه روی زمین کافی نیست

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات در اقتصاد منابع طبیعی این است که تصور کنیم هرچه استخراج بیشتر باشد، توسعه نیز بیشتر خواهد شد.

تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که منابع طبیعی می‌توانند هم موتور توسعه باشند و هم، در صورت مدیریت نادرست، به وابستگی، نابرابری و تخریب محیط‌زیست منجر شوند.

برای ایران نیز سؤال اصلی دیگر نباید فقط این باشد که:

چقدر نفت و گاز داریم؟

بلکه باید پرسید:

با نفت و گازمان چه می‌کنیم؟

آیا گاز را می‌فروشیم؟

آیا آن را می‌سوزانیم؟

آیا به خوراک صنایع با ارزش افزوده بالا تبدیل می‌کنیم؟

آیا فناوری و دانش فنی تولید می‌کنیم؟

آیا شرکت‌های ایرانی را در زنجیره ارزش بالا می‌بریم؟

و مهم‌تر از همه:

آیا مردم مناطق نفت و گازخیز از ثروتی که در کنار خانه‌هایشان تولید می‌شود، سهم واقعی و پایدار دریافت می‌کنند؟

کشف جدید می‌تواند یک فرصت تاریخی باشد

کشف میدان جدید جنوب فارس را نباید کوچک شمرد.

۷۵۰۰ میلیارد فوت‌مکعب گاز درجای و حدود ۵۷۰۰ میلیارد فوت‌مکعب گاز قابل استحصال، ظرفیت مهمی برای اقتصاد انرژی ایران محسوب می‌شود.

اما این کشف زمانی به یک خبر واقعاً خوب برای مردم ایران تبدیل خواهد شد که از همان ابتدا درباره مدل توسعه آن فکر کنیم.

مدلی که در آن:

گاز هدر نرود؛

فلرینگ به حداقل برسد؛

محیط‌زیست قربانی توسعه نشود؛

صنایع پایین‌دستی و زنجیره ارزش در منطقه شکل بگیرد؛

نیروی انسانی بومی آموزش ببیند و استخدام شود؛

شرکت‌های محلی و ایرانی وارد زنجیره تأمین شوند؛

زیرساخت‌های منطقه متناسب با حجم سرمایه‌گذاری توسعه پیدا کند؛

و مردم منطقه سهم ملموسی از منافع توسعه داشته باشند.

این همان نقطه‌ای است که می‌توان میان استخراج منابع و توسعه اقتصادی تفاوت گذاشت.

نفت و گاز باید برای مردم هم ثروت بسازد

ایران در زیر زمین ثروتمند است.

اما معیار واقعی ثروت یک کشور، فقط میزان نفت و گاز زیر زمین نیست.

معیار آن است که این منابع چه میزان ارزش افزوده، اشتغال، فناوری، سرمایه انسانی، زیرساخت و رفاه ایجاد می‌کنند.

عسلویه به ما نشان داده است که می‌توان در کنار یکی از بزرگ‌ترین مراکز تولید انرژی کشور زندگی کرد و همزمان با مسئله آلودگی و بوی نامطبوع مواجه بود. گزارش‌های مربوط به این مسائل هنوز هم ادامه دارد.

بنابراین درباره میدان جدید جنوب فارس، بهتر است از همین امروز یک سؤال ساده اما بنیادی مطرح کنیم:

آیا قرار است فقط یک میدان گازی جدید کشف کنیم، یا می‌خواهیم یک مدل جدید برای تبدیل ثروت زیرزمینی به رفاه مردم بسازیم؟

اگر پاسخ، گزینه دوم است، عسلویه نباید فقط یک الگوی موفق صنعتی باشد؛ باید یک درس بزرگ برای اصلاح مدل توسعه مناطق نفت و گازخیز ایران نیز باشد.

چون در نهایت،

ثروت طبیعی زمانی «ثروت ملی» است که مردم نیز سهم خود را از آن روی زمین ببینند.

یادداشت سردبیر

جامعه ایران امروز انتظار دارد توسعه میدان‌های جدید نفت و گاز، متناسب با تحولات فناوری و استانداردهای روز جهان انجام شود؛ نه صرفاً با الگوهای سنتی گذشته.

استفاده از هوش مصنوعی، دوقلوهای دیجیتال، پایش هوشمند، اتوماسیون و فناوری‌های نوین می‌تواند از مرحله طراحی میدان تا حفاری، تولید و بهره‌برداری، هزینه‌ها را کاهش داده و بهره‌وری و ایمنی را افزایش دهد.

در کنار این فناوری‌ها، باید از ظرفیت مهندسان، شرکت‌های دانش‌بنیان و متخصصان ایرانی در کنار همکاری هدفمند با شرکت‌ها و متخصصان برجسته خارجی استفاده کرد؛ ترکیبی که می‌تواند انتقال دانش، توسعه فناوری و شکل‌گیری یک مدل بومی و رقابت‌پذیر را به همراه داشته باشد.

اکنون زمان آن است که میدان‌های جدید ایران نه تنها هوشمندتر استخراج شوند؛ بلکه هوشمندانه‌تر طراحی، مدیریت و توسعه یابند.